

دیدند است **نقل است** که حضرت خوجه عبدالعزیز و سید
 که یکسوی برادر زنی تا پنج فصلت در وی نه چینی کی اگر فورا
 بر غنا کردند و بگویم که عمل را بگویم که نیندستوم از اخبار بر این
 کردند چهارم بنیاد بود و علم هر دو را نیندستم هم مستعدم که باشد
نقل است که از خوجه عبدالعزیز و سید سوال کردند چه
 طریقت که شمار دولت در جهان و سعادت جاودانی
 و رضای ربانی از کجا رسید حضرت خوجه فرمود که کار کردم
 و خور و عیب اصحاب گفتند شرح این طریقت فرمایند خواجه علیه السلام
 فرمودند که ای درویشان با من صبر بدانید که بوجه بیست
 مقام علیه السلام کار کردیم و بگویم برادر خوش صورت و آینه
 از مال اهلان رسیده ایشان کردیم و اگر خواهد شایسته
 بدان دولت رسیدن نصیحت عمل کنید **نقل است** که
 در روزی است خوجه سید که در سینه اصحاب بسیار بودند
 بمرتبه رسیدند از آنجا که رجب بود نام او خوجه صدیق
 بمقام نود رسیده بود و بمقام و کرامات فوق العادیه

ازال مقامات آن بود که مستخرج شدت خوجه علیه السلام
 اندر ایشان را تیز کرد و از جهان مملکت که من آن رسیده
 در طریقه العین سفته ما جعفر مشیر کشیده ایها الان کم کرامات
 مردان را تصدیق کنید و مقامات صاحب ولایت بارگاه
 ریاست با کمال حقیق دانید و نظایات بر خور داران دانید
 و قد صحبت چون انبیا همت بیان در اید و امید برین
 که خدای تعالی تو فریق کرد اند تا بمن تربیت اخلاق
 عزیزان بدان سعادت رسیدن لصل کرده اند که در آن
 وقت که حضرت ایشان علیه السلام و بفرمایند ازین عالم
 رحلت کردند که در میدان علیه السلام و بفرمایند
 اگر اجازت مجاد او ندرت ایشان از رحم الله علیه السلام
 بر آوردند اما حضرت ایشان در سینه افزون صحبت صانع کرده
 که کسب عمارت نمکند کسب مجال آن نبود که تربیت منور است
 علیه السلام عمارت کند برین طریق مانند تمت السحرة علیه السلام
 را که مبنده کن کارم هر که خواند دعا طمع دارم
 مناقصه خوجه صدیق

مناقصه خوجه صدیق
 هر که خواند دعا طمع دارم